

هدف کلی: تعیین نسبت میان هستی و چیستی در موجودات

اهداف جزئی: توانایی تشخیص دو مفهوم هستی و چیستی در یک موجود

تعیین نحوه حمل وجود بر ماهیات

توضیح درباره جایگاه این بحث در تاریخ فلسفه

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

به کانال ما در تلگرام بپیوندید

t.me/mahmoudi_izeh



۱- یکی از مباحث اولیه فلسفه چیست؟

هستی و چیستی^۱

یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آنهاست. این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند. برای شناخت بیشتر این دو مفهوم و نسبت میان آنها، چند قدم برمی‌داریم تا در قدم آخر، به نتیجه مطلوب برسیم.

نکته

قدم نخست

به یاد می‌آوریم که از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم، به سراغ غذا و آب می‌رفتیم تا نیازمان را برآورده سازیم، وقتی غمگین می‌شدیم و دلمان می‌گرفت، در کنار یکی از عزیزانمان پهلوی می‌گرفتیم تا روحمان آرامش یابد و اندوهمان برطرف گردد. آیا می‌توانید بگویید این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است و کدام اصل فلسفی را در خاطر می‌آورد؟ **اصل واقعیت داشتن** آری، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست و می‌توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود. یعنی:

نکته

قدم نخست برای شناخت دو مفهوم هستی و چیستی اعتقاد به اصل واقعیت است

ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آنها علم پیدا کنیم.

نکته: اولین اصل فلسفه که مرز جدایی آن با سفسطه (مغالطه) است، قبول واقعیت‌هایی در خارج از ذهن است

۱. این درس برگرفته از این آثار است: بدایة الحکمة از علامه طباطبایی با شرح علی شیروانی، ج ۱، ص ۳۵ (چاپ ۱۳۷۴) - مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۹، ص ۴۹ - مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۵، ص ۵۹، (چاپ ۱۳۷۴) - سرگذشت فلسفه از براین مگی، ص ۶۰ و فلسفه پیش دانشگاهی چاپ ۱۳۹۷، صص ۲۸-۲۶.

قدم دوم

پدری کودک خود را به باغ وحش می برد تا او را با حیوانات مختلف آشنا کند. حیوان بزرگ و تنومندی در همان ابتدا توجه کودک را جلب می کند و از پدر می پرسد: «این چیست؟»
پدر می گوید: «این حیوان تنومند، فیل نام دارد و در جنگل های هند و آفریقا زندگی می کند. وزن این حیوان گاهی به ۶۰۰۰ کیلوگرم هم می رسد و به همین خاطر، سنگین ترین حیوان روی خشکی است.»



پس از عبور از این حیوان، نوبت به حیوان دوم می رسد. کودک سؤال قبلی خود را تکرار می کند و پدر هم دربارۀ خصوصیات آن حیوان توضیحاتی، البته متفاوت با توضیحات قبلی، می دهد. این پرسش و پاسخ تا آخر بازدید از باغ وحش ادامه می یابد.

نکته

کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است و می داند که آنها موجودند و هستند اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست. او می خواهد این حیوانات را بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ یعنی می خواهد بداند این موجودات چه ویژگی های مخصوص به خود دارند که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می کند (این ویژگی های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می گویند). به عبارت دیگر (ماهیت و چیستی هر شیء، بیان کننده ذاتیات آن شیء است). ۲

- ۱- به ویژگی های مخصوص موجودات در منطق و فلسفه چه می گویند؟
- ۲- ماهیت و چیستی هر شیء، بیان کننده چه چیزی است؟

پس می توانیم بگوییم:

انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد: «موجود بودن» و «چیستی داشتن».

سوال

۱ انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد: «موجود بودن» و «چیستی داشتن».

۲ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها. ۳

قدم دوم برای شناخت دو مفهوم هستی و چیستی اعتقاد به مشترک بودن امور واقعی در وجود و مختلف بودن آنها در ماهیت است

۳- وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟

قدم سوم

نکته

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود (ابن سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند) ۱

۲ (از نگاه علم شیمی، آب، ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می‌آوریم. اما از نگاه فلسفی، آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می‌آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم. به عبارت دیگر:

«آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند) ۲

تکمیل گزاره‌ها

۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آنها را می‌شناسیم و هم از «هستی» شان خبر داریم؛ مانند:

انسان، آب، گیاهان، حیوانات و ...

۲ برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مانند:

جاذبه، انرژی، روح و نور

۳ «چیستی» های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مانند:
پری دریایی و سایر موجوداتی مانند دیو، غول و سیمرغ که در افسانه‌ها و داستان‌های تخیلی آمده‌اند

گزاره‌های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، اما یک تبیین فلسفی دارند و می‌بینیم که فارابی و ابن سینا این تبیین فلسفی را از همین نوع گزاره‌ها ارائه کرده‌اند.

قدم سوم برای شناخت

دو مفهوم هستی و چیستی، اشنایی با تمایز این دو مفهوم در ذهن است، اما در جهان خارج از ذهن ما یک واقعیت یگانه داریم که دو مفهوم وجود و ماهیت را از آن انتزاع (استخراج) می‌کنیم

۱- از نظر ابن سینا حمل مفهوم «حیوان ناطق» بر مفهوم «انسان» چگونه است؟
۲- چرا حمل مفهوم حیوان ناطق بر انسان به دلیل نیاز ندارد؟

قدم چهارم

نکته

ابن سینا برای این نظر خود که آن را «مغایرت وجود و ماهیت» نامیده، دلایلی ذکر کرده است. یکی از آن دلایل به شرح زیر می باشد:

او می گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل وجود بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است.

۱) در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان، به وسیله «حیوان ناطق»

تعریف شده است؛ یعنی «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چپستی او را تشکیل می دهند و بیان کننده ذات و حقیقت انسان می باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست.

به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ «انسان» برای «حیوان ناطق» به کار می رود.^۱

۲) چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان

ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید؟^۲

۳) اما رابطه دو مفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست. برای اینکه مفهوم

«وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض^۲. سایر ماهیت ها و چپستی ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.

بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چپستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست.^۳

۳- آیا برای حمل مفهوم «وجود» بر مفهوم «انسان» نیازمند دلیل هستیم؟ توضیح دهید

۱. این برهان در کتاب های فلسفی تحت عنوان «نیازمندی حمل وجود بر ماهیت به دلیل» و در شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری در ذیل مصراع «ولافتقار حمله الی الوسط» توضیح داده شده است (مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۹، ص ۵۱)

۲. الاشارات والتنبیها، بخش الهیات، نطق چهارم، فصل ۲۲، با شرح خواجه نصیرالدین طوسی در ذیل آن. فلاسفه و منطق دانان، حمل هایی مانند «انسان حیوان ناطق است»، «انسان حیوان است»، «انسان ناطق است» و «مثلث شکلی سه ضلعی است»، که ذاتیات بر ذات حمل می شوند را حمل اولی ذاتی و حمل هایی مانند «انسان حرکت کننده است» و «انسان موجود است»، که امور غیر ذاتی بر ذات و ماهیت حمل می شوند را حمل شایع صناعی نامیده اند. هرگاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد، حمل، از نوع اولی ذاتی است و هرگاه مفهوم محمول غیر از موضوع باشد، حمل، از نوع شایع صناعی است.

نکته مهم

۵

1- یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چیست؟ **فرق بین ماهیت و وجود یا مغایرت وجود و ماهیت**

2- **فرق بین ماهیت و وجود پایه کدام یک از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خداوند شد؟ برهان وجوب و امکان**

بررسی

اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.
اگر مفهوم وجود، عین ماهیت یا جزء آن بود، باید با آمدن هر ماهیت به ذهن آن ماهیت در جهان خارج از ذهن هم وجود داشته باشد، این در حالی است که برخی از ماهیت مثل غول یا سیمرغ وجود خارجی ندارند، پس وجود و ماهیت از هم جدا هستند و یکی جزء دیگری نمی باشد

بازبینی

به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.
همه گزاره ها با بیان ابن سینا هماهنگ است و تضادی با قول ایشان ندارد

۱ آیا سه گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ اند؟

۲ کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می کند؟

گزاره دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته

آمده که هستی برخی از امور را می شناسیم اما ماهیت آنها روشن نشده است. در گزاره سوم نیز گفته شده که

ما می توانیم ماهیاتی را در ذهن بیآوریم درحالی که ممکن است اصلا موجود نباشند

گذری تاریخی

به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا با عنوان‌هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت به گونه‌ای که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.»^۱ این نظر، پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز می باشد که در جای خود درباره آن سخن خواهیم گفت.^۲ - مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا چگونه شکل گرفت؟

۳ (یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس»^۲، که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت و گوهای فراوانی در آنجا شد.^۳ او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی «تومیسیم»^۴ در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.)^۳



توماس آکوئیناس در سال ۱۲۲۵ میلادی در ناپل به دنیا آمد. او حدود ۴۹ سال عمر کرد. او فعالیت علمی و دینی خود را در شهرهای پاریس، رم، ناپل و کلن انجام داد. او یکی از رهبران برجسته کلیسای کاتولیک به شمار می‌آید و برجسته‌ترین فیلسوف و متکلم دوره قرون وسطی شمرده می‌شود. آکوئیناس با اندیشه ابن سینا آشنا بود و با پیروان ابن رشد در اروپا مشاجرات علمی فراوان داشت. وی از پیشگامان رویکرد عقلی در مسیحیت بود و تلاش می‌کرد عقاید مسیحیت را با دلایل عقلی همراه کند و عقاید و مراسم مسیحی را با عقل سازگار نماید. پاپ لویی سیزدهم در سال ۱۸۷۹ م. فلسفه او را به عنوان سرمشقی برای تفکر مسیحی ستود. از آن پس اندیشه‌های توماس آکوئیناس مورد احترام کاتولیک‌ها بود و کمتر مورد نقد قرار می‌گرفت. او در سال ۱۲۷۴ م. از دنیا رفت.

۱. بنیاد حکمت سبزواری، توشی هیکوایزوتسو، ترجمه سیدجلال الدین مجتبی، ص ۴۸.

۲. Thomas Aquinas

۳. تاریخ فلسفه کاپلستون، جلد ۲، ص ۴۲۹.

۴. Thomism



ابوالولید محمد بن احمد بن رشد، معروف به ابن رشد در سال ۵۲۰ هجری قمری در قرطبه اندلس (اسپانیا) به دنیا آمد. او در علوم مختلف زمان خود تحصیل کرد. در علم طب، کتاب «الکلیات» را نوشت و در فلسفه، معروف ترین کتاب خود، یعنی «شرح مابعدالطبیعه» ارسطو را تألیف کرد. ابن رشد در سال ۵۹۵ هجری درگذشت و در قرطبه به خاک سپرده شد.

۱ (او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد، فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تاحدودی «ابن رشد»، دیگر فیلسوف مسلمان بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.) ۱

این نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه ساز گفت و گوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

۱- قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است. زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان نیازمند دلیل است. اما بشر و حیوان ذاتی انسان است و دلیل نمی خواهد

به کار ببندیم

۱ قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می توان مقایسه کرد؟

۱. انسان بشر است. ۲. انسان حیوان است. ۳. انسان مخلوق است. ✓

۲ شی علی و محمد در حال گفت و گو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت:

آن یک «سگ» است، ولی محمد گفت: آن یک «گروگ» است، وقتی کمی نزدیک تر شدند، دیدند نه سگ

است و نه گروگ، بلکه یک تخته سنگ است! گویای آن است که انسان میان وجود و ماهیت تمایز قائل می شود، یعنی با اینکه می داند موجودی هست ولی نمی داند که آن موجود، چیست؟

به نظر شما چه نتیجه ای می توان در مورد نسبت میان چپستی و هستی گرفت؟

۳ به گزاره های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول ها به موضوع ها نیازمند دلیل است و چرا؟

۱. انسان حیوان است. ۲. انسان شیر است. ۳. انسان عجول است. جواب پایین صفحه

۴. انسان ناطق است. ۵. انسان موجود است.

۴ آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

سه ضلعی ذاتی مثلث است و لذا حمل آن بر مثلث نیازمند به دلیل نیست

برای مطالعه بیشتر می توانید به منابع زیر مراجعه کنید.

۱- حمل حیوان بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد

۲- حمل شیر بر انسان ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج شیر و انسان یکی هستند

۳- حمل عجول بر انسان ذاتی نیست و دلیل می خواهد

۴- حمل ناطق بر انسان نیز ذاتی است و دلیل نمی خواهد

۵- حمل موجود بر انسان نیز ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست

۱ نهاییه الحکمة، علامه طباطبایی.

۲ شرح مبسوط منظومه، مرتضی مطهری، ج ۱.

۳ شرح بدایة الحکمة علامه طباطبایی، علی شیروانی، ج ۱، ص ۳۵ به بعد.

۴ مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۵، ص ۱۵۹ و ج ۹ ص ۴۹.

۵ سرگذشت فلسفه، براین مگی، ص ۵۸.

۶ تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۲، ص ۴۲۹.

انواع سوالات درس اول فلسفه دوازدهم

هستی و چیستی

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر درست و کدام یک نادرست است؟

۱- یکی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها «علت و معلول» هستند **نادرست**

۲- انسان و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه **درست**

۳- حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد **درست**

۴- وجود وجه اختصاصی موجودات، و وجه مشترک آنها ماهیت است **نادرست**

۵- توماس آکوئیناس اصل مغایرت ماهیت و وجود را در اروپا گسترش داد **درست**

۶- مغایرت وجود و ماهیت پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجود و امکان» قرار گرفت **درست**

۷- از نظر ابن سینا هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند، بدین معنا که آنها دو جزء از یک چیزند که باهم ترکیب یا جمع شده اند **نادرست**

۸- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است **درست**

۹- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد: جنبه موجود بودن و جنبه عدم وجود **نادرست**

۱۰- میان انسان و وجود یک رابطه ضروری برقرار نیست؛ انسان می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد **درست**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

۱- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم و است.

۲- وجود وجه موجودات و ماهیت وجه آنها.

۳- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان و توجه ویژه ای کرد. **وجود - ماهیت**

۴- کودک با استفاده از کلمه «این» یا «ان» نشان می دهد که به حیوانات پی برده است. **وجود**

۵- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد، بودن و داشتن. **موجود - چیستی**

۶- میان انسان به عنوان یک و رابطه ذاتی برقرار نیست. **چیستی - وجود**

۷- توماس آکوئیناس همچون ابن سینا مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان های خود در قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی در اروپا شد **خداشناسی - تومیسیم**

۸- توماس آکوئیناس فلسفه ای در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های و تاحدودی بود. **ابن سینا - ابن رشد**

۹- مغایرت وجود و ماهیت پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان نیز می باشد. **وجود و امکان**

۱۰- حمل وجود بر هر چیستی از جمله انسان نیازمند است. **دلیل**

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

t.me/mahmoudi_izeh: لینک کانال تلگرام